

بزه دیدگی بز هکار و جلوه های آن در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی

نویسندگان		وابستگی سازمانی
جمال بیگی *		دانشیار حقوق جزا و جرم شناسی، رئیس مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
مریم شیریان نسل		استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
اطلاعات مقاله		چکیده
نوع مقاله	پژوهشی	مطالعات مربوط به بزه دیده شناسی، طیف گسترده و متنوعی از موضوعات و مباحث از جمله نقش بزه دیده در فرآیند تکوین پدیده مجرمانه، بررسی انواع حمایت های مورد نیاز، عدالت قضایی و عدالت ترمیمی را شامل می شود. یکی از مهمترین ارکان این مطالعات، تعیین جایگاه بزه دیده است. از جمله مباحثی که در بزه دیده شناسی کمتر بدان توجه شده است، امکان بزه دیدگی بز هکار در مراحل دادرسی کیفری ناشی از جرایم علیه عدالت قضایی می باشد و این در قوانین کیفری ایران، نه به صورت منسجم و مشخص بلکه به صورت پراکنده و در مواد مختلف قابل بررسی است. از طرفی بسیاری از کشورها به صورت مشخص و در مبحثی مستقل در قوانین کیفری شان، به این جرایم پرداخته اند. کشور امارات متحده عربی از جمله این کشورها بوده که این مهم را در فصل «الجرایم المخله بسیر العداله» قانون مجازات امارات آورده است. در مقاله حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و با هدف شناسایی و تبیین و تشریح بزه دیدگی بز هکار ناشی از جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی انجام شده است، در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی ایران و کشور امارات به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی شناخته شده اند که در این میان، قربانی شدن و بزه دیدگی بز هکار از جمله شاخصه های این جرایم تلقی می شود.
صفحه	۱ - ۱۷	
دوره ۱، شماره ۱		
اطلاعات نویسنده مسئول		
نویسنده مسئول	جمال بیگی	
کد ارکید	۲۳۰۹-۲۳۷۹-۰۰۰۲-۰۰۰۰	
تلفن	۰۹۱۴۳۲۱۰۸۲۷	
ایمیل	jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir	
سابقه مقاله		
تاریخ دریافت	۱۴۰۳/۰۵/۱۰	
تاریخ ویرایش	۱۴۰۳/۰۶/۱۵	
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۶/۲۵	
تاریخ انتشار	۱۴۰۳/۰۷/۰۱	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
واژگان کلیدی		بزه دیده، بزه کار، عدالت قضایی، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری امارات متحده عربی
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد	بیگی، جمال؛ شیریان نسل، مریم (۱۴۰۳)، بزه دیدگی بز هکار و جلوه های آن در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱ - ۱۷	
دهی		

Criminal Victimization & Its Manifestations in The Criminal Law of Iran & The United Arab Emirates

Authors

Jamal Beigi*

Organizational Affiliation

Associate Professor of Criminal Law & Criminology, Head of the Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Maryam Shirian Nasel

Assistant Professor of Criminal Law & Criminology, Researcher, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Article Information

Article Type Research

Pages 1 - 17

Volume 1, Issue 1

Corresponding Author's Info

Corresponding Author's Jamal Beigi

ORCID 2309 – 2379 – 0002 - 0000

Tell 09143210827

Email jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

Article History

Received 2024/07/31

Revised 2024/09/05

Accepted 2024/09/15

Published 2024/09/22

Online:

Research Method Descriptive Analytical

Abstract
Studies related to victimology cover a wide and diverse range of topics and issues, including the role of the victim in the process of developing the criminal phenomenon, examining the types of support needed, judicial justice, and restorative justice. One of the most important pillars of these studies is determining the position of the victim. Among the issues that have received less attention in victimology is the possibility of victimization of the offender in the stages of criminal proceedings resulting from crimes against judicial justice, and this can be examined in Iranian criminal laws, not in a coherent and specific manner, but rather in a scattered manner and in different articles. On the other hand, many countries have specifically addressed these crimes in an independent section in their criminal laws. The United Arab Emirates is one of these countries, which has included this issue in the chapter "Crimes that interfere with the course of justice" of the UAE Penal Code. In the present article, which was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources, with the aim of identifying, explaining, and explaining the victimization of criminals resulting from crimes against judicial justice in the criminal laws of Iran and the United Arab Emirates, various articles of the Islamic Penal Code of Iran and the UAE have recognized them as crimes against judicial justice, and among these, victimization and victimization of criminals are considered among the characteristics of these crimes.

Keywords *Victim, Offender, Judicial Justice, Iranian Criminal Law, United Arab Emirates Criminal Law*

Description

All rights to this article belong to the authors.

Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.

How to Cite This Article Beigi, Jamal; Shirian Nasel, Maryam (2024), Criminal Victimization & its Manifestations in the Criminal Law of Iran & the United Arab Emirates, Quarterly Journal of New Research in Criminology, Volume 1, Issue 1, Pages 1 - 17

۱- مقدمه

مطالعات مربوط به بزه دیده شناسی، طیف گسترده و متنوعی از موضوعات و مباحث را شامل می شود، از نقش بزه دیده در فرآیند تکوین پدیده مجرمانه گرفته تا بررسی انواع حمایت های مورد نیاز، از عدالت قضایی تا عدالت ترمیمی. یکی از مهمترین ارکان این مطالعات، تعیین جایگاه بزه دیده و مطالعه اشکال ارتباط بزهکار و بزه دیده است. بزه دیده شدن بزهکاران، توسط پیشگامان بزه دیده شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. این که بزهکار چگونه می تواند خود بزه دیده نیز تلقی شود و شرایط و وضعیت های مختلفی که از زمان وقوع جرم تا آغاز فرآیند دادرسی کیفری و پس از آن، برای بزهکار اتفاق می افتد، و منجر به بزه دیدگی بزهکار می شود، چه مراحل و مراتبی دارد؟ از منظر عدالت قضایی بزه دیدگی بزهکار در چه جرایمی در این حوزه قابل بررسی است؟ و این موضوعات در حقوق کیفری ایران در تطابق با حقوق کیفری امارات متحده عربی چه مصادیق و جلوه هایی را شامل می شود؟ در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است، تعریفی که از بزه دیدگی در این نوشتار مورد نظر است، در بردارنده تعریفی است که از سوی سازمان ملل متحد، در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ ارائه شده است: «بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده اند. این خسارت، به ویژه، در زمینه های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد است». به طور خلاصه، بزه دیدگان ممکن است از خود جرم یا راهی که از رهگذر آن، دیگران به جرم یا به خود آنان پاسخ می دهند، اثر بپذیرند. (رایجان، ۱۳۸۴: ۱۰۶) از این رو وقتی درباره بزه دیده صحبت می کنیم، تعریف موسع آن مورد نظر است. به ویژه که در این مقاله تلاش می شود تا بزه دیدگی بزهکار را از منظر جرایم علیه عدالت قضایی مورد مطالعه قرار دهیم و از جمله مصادیق این نوع از بزه دیدگی را می توان در بین جرایم علیه عدالت قضایی مشاهده نمود. جرایم علیه عدالت قضایی که تعریف، مفهوم و مصادیق آن در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، طیف مشخصی از جرایم را شامل می شود که براساس معیار و ملاک های خاصی مورد طبقه بندی قرار می گیرند. از آنجا که «بزه دیده واقع شدن بزهکار» موضوع اصلی مورد مطالعه در این مقاله می باشد، از این رو عمدتاً آن دسته از جرایم پیرامون عدالت قضایی، در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی مورد بحث قرار می گیرد که «در حین فرآیند دادرسی و صدور حکم» ممکن است واقع شوند.

۲- مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است، به تبیین و تشریح مفاهیم اساسی مسئله پردازیم؛ زیرا، شناخت مفاهیم واژه ها، در درک و فهم موضوعات، می تواند کمک شایانی بنمایند.

۲-۱- بزه دیده

بزه دیده واژه ای است که در زبان فارسی به معنای گناه و تقصیر آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۸: ۳۶۰) در مقررات کیفری، بیشتر از معادل های عربی آن مانند مجنی علیه و متضرر از جرم استفاده گردیده است. همچنین، برگردان واژه انگلیسی victim است که در اصطلاح به شخصی گفته می شود که به دنبال یک جرم، آسیب، زیان و یا آزار می بیند و این آسیب، ممکن است بدنی، عاطفی، مالی و یا آسیب های اساسی به حقوق بنیادی او باشد. (رایجان، ۱۳۸۱: ۱۵) در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴؛ بزه دیده این گونه تعریف شده است: «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان می گردد و چنان چه تعقیب مرتکب را درخواست کند «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند «مدعی خصوصی» نامیده می شود.»

این اولین بار است که قانون آیین دادرسی کیفری از اصطلاح «بزه دیده» استفاده و آن را تعریف می‌کند. هرچند که ممکن است، اشخاص زیادی از وقوع یک جرم، متحمل ضرر و زیان شوند، اما تنها بزه دیده مستقیم؛ یعنی کسی که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده و قانون‌گذار، با جرم‌انگاری یک رفتار مباح، قصد حمایت از او را داشته و یا قائم مقام چنین شخصی محسوب می‌شود، می‌تواند، در فرآیند کیفری، به عنوان «شاکی» تقاضای تعقیب متهم را بنماید و بزه دیده غیر مستقیم چنین اختیاری ندارد. چنین شخصی، اعلام‌کننده جرم محسوب می‌شود و شرایط آن را دارد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۹) البته واژه بزه دیده برای نخستین بار در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ مورد استفاده قرار گرفته است، همچنین فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «بزه دیده» را در برابر «مجنی علیه» به کار برده است. (خادمیان، ۱۳۹۵: ۱۱) واژه بزه دیده به شخصی اطلاق می‌شود که از وقوع یک جرم یا بزه متحمل ضرر و زیان می‌گردد. این مفهوم در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به وضوح تعریف شده است. (رایجان، ۱۳۹۰: ۲۵) سازمان ملل متحد نیز، در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ تعریفی از بزه دیدگان را ارائه نموده است: «بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند». این خسارت، به ویژه؛ در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد است. این خسارت، ناشی از افعال یا ترک افعالی است که قوانین جزایی یک دولت عضو را نقض کرده و نشان‌دهنده تخلف از مقررات حقوقی است (فلیزولا و لیز، ۱۳۷۹: ۹۶) در تحقیق حاضر این تعریف از بزه دیده مد نظر می‌باشد. تعاریف دیگری در آثار جرم‌شناسان از «بزه دیده» وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تعاریف زیر اشاره نمود. ژرار و فلیزولا، بزه دیده را چنین تعریف کرده‌اند: «بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی بر تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند». (فلیزولا و لیز، ۱۳۷۹: ۹۷) به طور کلی بزه دیده یا مجنی علیه عبارت از شخص یا اشخاصی حقیقی یا حقوقی است که دارای حقی است که به خاطر وقوع جرمی، مستقیماً حق یا حقوقشان مورد تعدی قرار گرفته است. (توجهی، ۱۳۹۱: ۳۷)

۲-۲- بزه‌کار

بزه‌کار در لغت به معنای گناه‌کار و خطاکار بوده (عمید، ۱۳۸۶: ۸۶) و در اصطلاح اعم، کسی است که مرتکب جنایت یا جناحه یا خلاف می‌شود و به معنی اخص مرتکب جنایت یا جرم را بزه‌کار یا مجرم می‌گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۱۸) در بینش قانونگذاری ما نیز مفهوم بزه‌کار با مفهوم بزه پیوندی نزدیک دارد. در ترمینولوژی اصطلاحات جزایی بزه‌کار به این معنا آورده شده است: «گناهکار، خطاکار، انجام‌دهنده بزه، مرتکب شونده جرم را گویند و کسی که مرتکب جرم می‌شود را هم بزه‌کار می‌گویند». (اباذری فومشی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) بزه‌کار یا مجرم در نظام کیفری ما کسی است که فعلی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود و چون برای تحقق جرم علاوه بر عنصر مادی محتاج به وجود عنصر دیگری به نام عنصر روانی است بنابراین جرم از نظر قانونی هنگامی رخ می‌دهد که رفتار مادی تشکیل‌دهنده آن از موجودی با قصد و اراده صادر شده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۳)

۲-۳- عدالت قضایی

عدالت قضایی از شاخصه‌های مهم عدالت اجتماعی بوده که تاکید بر اجرای آن در سیاست جنایی دستگاه قضایی مورد تاکید می‌باشد. درک و شناسایی موانع تحقق عدالت قضایی مستلزم دانستن مفهوم «عدالت قضایی» است. (بیگی و آبروش، ۱۳۹۶: ۲۰۵) بدین منظور ابتدا مفهوم لغوی و سپس مفهوم اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. «عدالت قضایی» ترکیبی اضافی است که در

دو واژه «عدالت» و «قضایی» تشکیل شده است. از عدالت معانی و تعاریف متعددی ارائه شده است. این گوناگونی تعاریف با اختلاف شرایط حاکم بر جوامع، مناسبت دارد. برخی عدالت را «اعطای حق به ذی حق»، (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۷) برخی دیگر آن را «رفتار مطابق قانون» (جعفری، ۱۳۸۵: ۸۸) و برخی نیز عدالت را چیزی می دانند که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. (نجار زادگان و مسعودیان، ۱۳۸۸: ۲۱) شاید بتوان گفت تمام این تعاریف در جای خود درست است اما جامع‌ترین تعریفی که از عدالت ارائه شده و متناسب موضوع بحث ما نیز هست، تعریف عدالت به «رفتار مطابق قانون» است. بدین معنا که زندگی اجتماعی انسان دارای قوانین و مقرراتی است که برای بهبود آن زندگی وضع شده‌اند. رفتار مطابق آن قوانین، عدالت است و سرپیچی یا بی‌تفاوتی نسبت به آن‌ها ظلم و ستم تلقی می‌شود. اصل واژه‌ی «قضا» به معنای بریدن، جدا کردن و پایان دادن است و داور از آن‌رو که به اختلاف و دعوا با رأی خود پایان می‌دهد، قاضی نامیده می‌شود. این کلمه به معنی حکم و فرمان نیز آمده است. واژه‌ی «قضا» در قرآن در معانی مختلفی همچون خلق و پدید آوردن بوده و در بحث ما نیز همین معنای حکمیت و داوری مدنظر است. در بیان معنای اصطلاحی عدالت قضایی برخی از مجموع تعاریف لغوی برداشت نموده اند که می توان «عدالت قضایی» را رعایت قانون در مقام دادرسی و قضاوت دانست (نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۸: ۳۵) عده ای از اندیشمندان حقوقی عدالت قضایی را از مهمترین اهداف هر نظام قضایی دانسته و چنین بیان می کنند که اگر عدالت قضایی محقق نشود، سیستم قضایی آن جامعه دچار آسیب خواهد شد. (بیگی و تیموری، ۱۴۰۱: ۲۳) در اینجا لازم است اصطلاح «عدالت قضایی» از واژگان مشابه و همسوی خود نظیر «عدالت کیفری» و «عدالت حقوقی» تمییز داده شود تا از بکارگیری آنها بجای یکدیگر اجتناب گردد. زیرا هرکدام از آنها مربوط به حوزه‌ای خاص از عدالت هستند و از نظر معنایی با یکدیگر متفاوت هستند. «عدالت کیفری» به «مقایسه زیان‌های وارد بر جامعه، با خطای اخلاقی یا قابل سرزنش مرتکب و تعیین میزان کیفر و اجرای آن» تعریف شده است. (بولک، ۱۳۷۵: ۱۴) در حقیقت هدف «عدالت کیفری» این است که کیفر و مجازات براساس عدالت است، اما هدف عدالت قضایی، پیاده‌سازی عدالت پس از وقوع یک جرم تا مرحله رسیدگی و اجرای حکم است. اما «عدالت حقوقی» اعم از عدالت قضایی است و نمودار تمام واقعیت‌های قانونی، اجتماعی و روانی است که مراحل گوناگون قانون گذاری، تفسیر و اجرای قانون را دربرمی گیرد. درواقع، عدالت حقوقی اقسام مختلف عدالت تقنینی، قضایی، کیفری و عدالت در گستره حقوق عمومی را شامل می‌شود. (قربان نیا، ۱۳۸۱: ۱۱) با این توضیحات می‌توان گفت عدالت قضایی، یکی از اقسام عدالت حقوقی و به معنای رعایت قانون در مقام قضاوت و دادرسی است. از این‌رو پس از وقوع جرم یا تضییع حق، هرعملی که به قصد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گرفته و تحقق عدالت قضایی را ناممکن سازد و یا موجب انحراف دادرسی گردد، جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود.

۳- مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی

در بحث طبقه بندی و بیان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی نظرات مختلفی وجود دارد و طبقه بندی‌های مختلف بر اساس ملاک و معیارهای متفاوت مطرح شده است که در چهار مینا می توان این طبقه بندی را ملاحظه نمود. در تحقیق حاضر تقسیم بندی موضوعی مد نظر بوده و بیشتر به ماهیت جرایم ارتكابی که علیه عدالت قضایی واقع می شوند توجه شده است.

ردیف	مبنای تقسیم بندی	زیر مجموعه
۱	قانونی	جرایمی که منشأ آن قانون اساسی است
		جرایمی که منشأ آن قانون عادی است

جرایمی که مبنای آن معاهدات بین‌المللی است		
جرایمی که مبنای آن ترکیبی از دو یا سه دسته از قوانین و مقررات فوق می‌باشد		
جرایم مقام‌های قضایی و جرایم ضابطان	مرتکب	۲
جرایم مقام‌های دولتی		
جرایم مرتبطان پرونده اعم از کارشناسان و شهود مطلعین و مردم دخیل در پرونده		
جرایم اثباتی	نوع جرم (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۹)	۳
جرایم ثبوتی		
جرایم نقض‌کننده اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی	تقسیم بندی موضوعی	۴
جرایم نقض‌کننده حقوق متهم یا بزه‌دیده		

۴- جلوه‌های بزه‌دیدگی بزهدار در حوزه جرایم علیه عدالت قضایی

در خصوص تفکیک و معرفی جداگانه «جرایم علیه عدالت قضایی» رویه یکسانی در بین قانونگذاران کشورهای مختلف وجود ندارد. قانونگذار امارات متحده عربی با اختصاص باب سوم از قانون مجازات امارات، به «الجرایم المخله بسیر العدالة» ضمن معرفی جرایم علیه عدالت قضایی، تلاش نموده است تا با اتخاذ تدابیر لازم و تعیین ضمانت‌اجراهای مناسب و موثر، مسیر حرکت به سوی تحقق عدالت واقعی را هموار سازد. شهادت کذب، سوگند دروغ، امتناع از ادای شهادت، تأثیرگذاری در امر قضا، ایجاد تأخیر در اقدامات قضایی، امتناع از اعلام جرم، گزارش کذب، شکستن مهر و فرار متهمین و محکومین مهمترین جرایمی هستند که در ۵۳ ماده از قانون مجازات امارات (مواد ۳۵۲ تا ۷۸۲) به آنها پرداخته شده است. (ماده، ۱۳۸۶: ۵۳) اما قانونگذار ایران نه در فصلی خاص و مشخص، بلکه به شکل پراکنده این گونه رفتارها را جرم علیه عدالت قضایی به شمار آورده و جرم‌انگاری نموده است. البته همانطور که بیان شد در بیان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی باید توجه داشت که مقنن دو دسته رفتارهای خلاف قانون که اسباب اخلال در امر تحقیقات مقدماتی و جریان دادرسی را فراهم می‌آورد در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین ماهوی به شکل پراکنده جرم‌انگاری نموده است. دسته اول، جرایمی نظیر اخفای جسد مقتول با هدف از بین بردن ادله جرم، مساعدت در خلاصی مجرم از تعقیب و محاکمه و اقرار ناشی از شکنجه از جمله جرایمی هستند که در مرحله تحقیقات مقدماتی قابل تصور بوده و جرم‌انگاری شده است. دسته دوم نیز شامل جرایمی هستند که روند اجرای عدالت را در مرحله دادرسی و محاکمه مختل نموده و مانع از تکوین دادرسی منصفانه و عادلانه می‌گردند، نظیر شهادت کذب و سوگند دروغ که انجام آنها از سوی اشخاص عادی و یا مستخدمین و مأمورین دولتی قابل تصور می‌باشد. (آقای، ۱۳۹۰: ۱)

رویه‌ای که در این پژوهش اتخاذ شده این است که با بررسی اهم جرایم علیه عدالت قضایی که «بزه‌دیدگی بزهدار» در صورت وقوع این جرایم، در آنها مشهود و بارز می‌باشد مورد بررسی قرار گیرد. از این رو ۱۰ جرم مهم که تقریباً اغلب پژوهشگران به عنوان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی، بر روی آن اجماع دارند مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم به ذکر است هر چند در دو جرم «اخفای جسد» و «فراری دادن متهمان و محکومین» که در این مقاله بررسی شده است، احتمال بزه‌دیدگی بزهدار کمتر از سایر جرایم می‌باشد با این حال هم به جهت اینکه در هر حال در این جرایم نیز احتمال وقوع بزه‌دیدگی بزهدار وجود دارد و هم به جهت بررسی جامع و مانع موضوع به این دو جرم نیز پرداخته خواهد شد.

۴-۱- شهادت کذب

شهادت دادن به راستی و درستی، یکی از زیباترین و شجاعانه ترین کارهای بشری بوده و اظهارات شهود به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوا، نقش موثری در جریان دادرسی و تعیین سرنوشت پرونده ایفا می کند. (بیگی، ۱۳۹۶: ۱۴۵) اهمیت و تأثیر بسزای این امر در اجرای عدالت قضایی، سبب شده که در «قانون مجازات امارت متحده عربی» شهادت کذب، انکار حقیقت، کتمان تمام یا بخشی از شرح واقعه، در ردیف جرایم علیه عدالت قضایی به شمار آید. وقوع این جرم هم بر علیه بزهدار و هم بر علیه بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری متصور است. با این حال از آنجا که اصولاً در مراحل تحقیق و تعقیب، طرفین پرونده از نظر امکان و دسترسی به ابزار دفاع از خود در شرایط یکسان قرار ندارند و به اصطلاح برابری سلاح ها برای دو طرف در یک وضعیت مشابه قرار ندارد، لذا شهادت دروغ علیه متهم پرونده، که در این مقاله از او تحت عنوان «بزهکار» نام برده می شود، تا حد بسیاری می تواند عدالت قضایی را در معرض مخاطره قرار دهد. مطابق ماده ۲۵۳ قانون مجازات امارات «هرکس در محضر مقام قضایی یا هیأتی که صلاحیت استماع شهادت شهود را دارد، پس از اتیان سوگند، شهادت دروغ داده یا حقیقت را انکار کند یا بخشی یا تمام اطلاعات خود از اتفاقات قضیه را که در مورد آنها سؤال شده، کتمان نماید، خواه شخصی که شهادت داده، شاهدهی باشد که شهادت او مورد قبول باشد خواه نباشد، یا شهادت او در این امور پذیرفته شده باشد خواه نباشد، به حداقل ۳ ماه حبس مجازات می شود.»

در رابطه با ماده مذکور اشاره به چند نکته ضروری به نظر می رسد:

- عنصر مادی جرم موضوع ماده ۲۵۳ گاه به صورت فعل «بیان شهادت دروغ یا انکار حقیقت» و گاه به صورت ترک فعل «کتمان تمام یا بخشی از اطلاعات» نمایان می شود.
- تحقق این جرم منوط به آن است که مرتکب قبل از ادای شهادت، سوگند یاد نموده باشد.
- مطابق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری امارات، اتیان سوگند قبل از ادای شهادت بر افرادی واجب است که ۱۵ سال آنها تمام شده باشد.
- در این ماده برای تحقق جرم کتمان حقیقت، سکوت ابتدایی و عدم بیان حقیقت کافی نیست بلکه کتمان اطلاعات پس از مورد سؤال قرار گرفتن، مراد است.
- قانونگذار امارات در برخی از موارد فردی را که مبادرت به ادای شهادت دروغ یا انکار یا کتمان حقیقت نموده، معاف از مجازات دانسته است. این موارد به استناد مواد ۴۵۲ و ۲۵۵ قانون مجازات امارات، عبارتند از:
 - هرگاه شاهدهی که در جریان تحقیقات جنایی ادای شهادت نموده قبل از اتمام تحقیقات، از شهادت دروغ خود برگردد.
 - هرگاه شاهدهی در هر محاکمه، ادای شهادت نموده ولی قبل از صدور حکم در ماهیت دعوا، ولو حکم غیر نهایی، از شهادت دروغ خود برگردد.
 - شاهدهی که احتمال می دهد که در صورت بیان حقیقت ضرر فاحشی در رابطه با آزادی یا شرف متوجه او یا همسرش، هر چند مطلقه باشد، یا یکی از پدران یا مادران یا فرزندان یا خواهران یا برادران یا بستگان سببی او از این درجات شود.
 - شاهدهی که استماع اظهارات او مانند شاهد، واجب نبوده یا اینکه واجب بوده ولی به وی تذکر داده شود «اگر بخواهد می تواند از ادای شهادت خودداری نماید».

بر اساس ماده ۲۵۶ قانون مجازات امارات، تقلیل مجازات مرتکب به نصف در مورد شخصی پیش‌بینی شده که ادای شهادت دروغ به تحریک او بوده چنانچه شاهد، حقیقت را بیان می‌نمود خود یا یکی از بستگانش بطور قطع به ضرری که در قسمت اول ماده ۲۵۵ توضیح داده شده «ضرر فاحش به آزادی یا شرف» مورد تعرض قرار می‌گرفت. در مقررات جزایی ایران، شهادت دروغ جرم‌انگاری و در ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردیده است. شهادت دروغ به معنای ارائه اطلاعات نادرست توسط شاهدان در محضر دادگاه است. این نوع شهادت می‌تواند تأثیرات جدی بر روند دادرسی و صدور احکام قضایی داشته باشد و به همین دلیل قانونگذار آن را جرم‌انگاری کرده است. همچنین به موجب بند دال ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازاتی مربوط به اسناد سجلی و شناسانه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات، شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات مؤثر واقع شود به حبس از نود و یک روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰/۰۰۰ تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند. بر اساس آنچه که در کتب معتبر فقهی آمده چنانچه شهادت دروغ منجر به صدور و اجرای حکمی مانند قصاص نفس یا عضو یا اجرای حد سرقه «قطع ید» شده باشد، اعمال همان مجازات نسبت به شهود امکان‌پذیر می‌باشد. مطابق نظریه شماره ۳۵۳۷/۳-۱۶۳۱/۴/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه برای کتمان شهادت در قوانین کیفری و جزای اسلامی مجازاتی در نظر گرفته نشده و ظاهراً عمل مذکور جرم محسوب نمی‌گردد. قانونگذار امارات در خصوص کارشناسان و اهل خبره نیز که قضات در امور فنی و تخصصی جهت کشف حقیقت و احراز واقع امر به آنان رجوع می‌نمایند، در ماده ۲۵۷ قانون مجازات امارات چنین مقرر داشته است: «کارشناسی که در دعوی مدنی یا جزایی، توسط مقام قضایی انتخاب شده و به امری مغایر حقیقت اعلام نظر نموده یا با علم به حقیقت، تفسیر و نظر غیر صحیحی را ارائه نماید به حداقل یک سال حبس و ممنوعیت از کارشناسی، مجازات می‌شود». قانونگذار ایران نیز در ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ در رابطه با نظرات خلاف واقع کارشناسان چنین مقرر داشته است: «هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت، ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی، تمام ما وقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناسی رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. (اسدزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۷)

در رابطه با عملکرد پزشکان و ماماها نیز که اظهار نظر آنان به عنوان کارشناس و افراد متخصص و مورد وثوق می‌تواند مستند رأی دادگاه قرار گیرد، در ماده ۲۵۸ قانون مجازات امارات مقرر شده است: «هر پزشک یا مامایی که برای خود یا دیگری هدیه یا امتیاز از هرنوع یا وعده‌ای نظیر این مطالبه یا قبول نموده و در مورد حمل یا تولد یا مرض یا نقض عضو یا فوت، شهادت دروغ دهد یا در اثر وعده یا توصیه یا وساطت، شهادت به این امر دهد به حداکثر پنج سال زندان مجازات می‌شود. صدور گواهی‌های خلاف واقع توسط پزشکان، موضوعی است که قانونگذار ایران نیز در مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته است. به موجب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی «هرگاه طبیب تصدیق نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظيفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته، علاوه بر استرداد و

ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد». قانونگذار امارات در پایان مواد مربوط به شهادت دروغ به افرادی که دیگران را به کتمان حقیقت یا ارائه اطلاعات غیر صحیح دلالت می‌نمایند اشاره نموده و برای کسی که با استفاده از شکنجه یا زور یا تهدید یا تقدیم هدیه یا امتیاز از هرنوع، دیگری را به کتمان امری از امور یا دلایل یا ارائه اطلاعات غلط در هر مرجع قضایی سوق دهد، مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا پانصد در هم در نظر گرفته است. (آماده، ۱۳۸۶: ۵۸)

۴-۲- قسم دروغ

مطابق ماده ۲۶۰ قانون مجازات امارات: «هریک از طرفین پرونده که در دعوی مدنی ملزم به ادای سوگند شده یا سوگند به او رد شده باشد، قسم دروغ یاد کند به حبس تا دو سال یا جزای نقدی تا ده هزار در هم مجازات می‌شود». در قسمت اخیر ماده مذکور اضافه شده که چنانچه مرتکب پس از اتیان سوگند کذب و قبل از صدور حکم در خصوص دعوی که سوگند در جریان آن ادا گردیده، به حقیقت رجوع نماید از مجازات معاف می‌شود. قانونگذار ایران نیز در ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی برای ادای سوگند دروغ مجازات حبس پیش‌بینی نموده است با این تفاوت که توجه قسم به مرتکب علاوه بر دعوی حقوقی در دعوی جزایی هم لحاظ شده است. تصریح به دعوی جزایی در ماده ۶۴۹ این قانون به این جهت است که مطابق مقررات جزایی ایران سوگند نیز در برخی موارد در تعیین سرنوشت پرونده و رأی دادگاه ایفای نقش می‌کند. ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در تعریف سوگند بیان داشته: «سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است». قانون مذکور از مواد ۲۰۱ تا ۲۱۰ مقررات مربوطه در خصوص سوگند را تعیین نموده است. همچنین ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ۹۲ از جمله ادله اثبات دعوی را «قسامه» معرفی کرده و در مواد ۳۱۲ تا ۳۴۶ نیز مقررات پیرامون قسامه را تشریح نموده است. (بیگدلی و اسدی کوه آباد، ۱۴۰۳: ۱۰)

۴-۳- امتناع از اتیان سوگند یا ادای شهادت

موضوع «امتناع از اتیان سوگند و یا ادای شهادت» نیز همانند شهادت دروغ، هم حقوق متهم و هم حقوق شاکی را ممکن است تحت الشعاع خود قرار دهد. با این حال صرفنظر از اینکه این موضوع در حقوق کیفری ایران جرم انگاری نشده است؛ اما این عمل قطعاً منافی عدالت قضایی خواهد بود. به ویژه اگر این ترک فعل، موجب تضییع حقوق متهم شده و وی را در موضع ضعیف تری قرار دهد، شاهد نوعی از بزه دیدگی وی خواهیم بود که حقوق اساسی فرد را هدف قرار می‌دهد. به لحاظ اهمیت اظهارات شهود در جهت کشف جرم و احراز واقعیت، خودداری اشخاص از اتیان سوگند یا ادای شهادت به عنوان مانعی در مسیر اجرای عدالت، توسط قانونگذار امارات جرم‌انگاری و مقرر گردیده که هرکس موظف به ادای شهادت در محضر یکی از مراجع قضایی بوده لکن بدون عذر موجه از ادای سوگند یا اظهار شهادت امتناع ورزد به حبس تا یک سال و جزای نقدی تا پنج هزار در هم یا به یکی از این دو کیفر، مجازات می‌شود. چنانچه مرتکب، قبل از صدور حکم در موضوع دعوا، از امتناع خود عدول کند از مجازات معاف خواهد شد. (آماده، ۱۳۸۶: ۵۹) در مقررات جزایی ایران، استنکاف از اتیان سوگند یا ادای شهادت فاقد ضمانت اجراست. گاه در توضیح علت عدم جرم‌انگاری امتناع از اتیان سوگند یا ادای شهادت به اصل سی و هشتم قانون اساسی ایران استناد می‌شود که به موجب آن «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می‌شود». اگر چه استناد به اصل ۳۸ جهت منع

قانونگذار از تعیین کیفر برای شاهی که با امتناع از ادای شهادت روند اجرای عدالت را کند و مخدوش می‌نماید محل تأمل است لکن در حال حاضر می‌توان گفت که چون با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم است و تاکنون برای امتناع شهود از ادای شهادت مجازاتی تعیین نشده لذا عمل مذکور فاقد وصف جزایی است. نظریه شماره ۱۵۲۶/۷-۱۸۳۱-۰۱/۰۷۱/۰۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین موضوع می‌باشد. در رابطه با امتناع شاهد از اتیان سوگند در تبصره ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ایران مقرر شده: «در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع میشود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود». اگرچه به تجویز ماده ماده ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می‌شود لکن همانگونه که اشاره شد، در صورت حضور و امتناع از ادای شهادت هیچ ضمانت اجرا و مجوزی برای الزام وی وجود ندارد. این در حالی است که در مقررات جزایی امارات نه تنها در مورد خودداری از ادای شهادت مجازات تعیین شده بلکه به موجب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری امارات در صورت عدم حضور شاهد پس از اولین مرتبه احضار، دادگاه برای صدور حکم به پرداخت جزای نقدی تا هزار در هم و در صورت عدم حضور پس از دومین مرتبه احضار به صدور حکم محکومیت شاهد به پرداخت حداکثر میزان مذکور، مجاز شناخته شده است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۴۱۶)

۴-۴- تأثیر گذاری در امر قضا

بی‌تردید آسایش و آرامش روحی و روانی مقامات قضایی و عدم بروز هرگونه جو سازی و ایجاد ذهنیت منفی، سبب خواهد شد که قضات با استقلال کامل و فارغ از مسائل انحرافی و حاشیه‌ای نسبت به انجام تحقیقات لازم و صدور رأی عادلانه اقدام نمایند. لذا هرگونه اقدام در جهت تأثیر گذاری بر روند رسیدگی به پرونده و تحت تأثیر قرار دادن افراد مرتبط با امر قضا را می‌توان مانعی در مسیر اجرای عدالت تلقی نمود. به خصوص هر گاه جهت تأثیر گذاری، سمت و سوی خاصی گرفته و متهم، هدف این تأثیر گذاری باشد، بی شک بزه دیدگی بزهکار را در این وضعیت شاهد خواهیم بود. قانونگذار امارات با چنین نگرش و اندیشه‌ای در ماده ۲۶۳ قانون مجازات مقرر داشته: «هرکس به یکی از طرق علنی اموری را به قصد تأثیر گذاری در قضات یا در اعضای هیأت منصفه یا در غیر از آنها از مأمورین تحقیق یا در شهودی که برای ادای شهادت دعوت شده‌اند، منتشر نماید به حبس یا جزای نقدی مجازات می‌شود». همچنین در ماده ۲۶۴ قانون مجازات امارات برای انتشار علنی موارد ذیل مجازات حبس حداکثر یک سال یا جزای نقدی حداکثر ده هزار در هم در نظر گرفته شده است:

- انتشار اخبار پیرامون تحقیقات انجام شده در خصوص جرم یا مدرکی از مدارک تحقیق که مقام قضایی انتشار آن را ممنوع نموده است.
- انتشار اخبار راجع به تحقیقات یا اقدامات انجام شده در خصوص دعوی نسب یا زوجیت یا حضانت یا طلاق یا نفقه یا جدایی یا زنا یا قذف یا افشای اسرار.
- انتشار اسامی یا تصاویر متهمین نوجوان.
- انتشار اسامی یا تصاویر بزه دیدگان در جرایم علیه عرض و ناموس.

بر اساس ماده ۲۶۵ قانون مجازات امارات، هر کس بدون رعایت امانت و با سوءنیت، آنچه را که در جلسات علنی گذشته به یکی از طرق علنی منتشر نماید به کیفر مذکور در ماده قبل مجازات می‌شود. در بررسی مقررات جزایی ایران و در بحث لزوم رعایت اصل بی طرفی و ممانعت از اختلال در روند دادرسی ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». در خصوص منع انتشار اطلاعات مربوط به پرونده های در جریان رسیدگی نیز ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اشعار داشته: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان.

الف) متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می شود.

ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود».

این موارد اخیر هر چند به طور مستقیم بر روند امر قضا تأثیر نمی گذارند. اما تبعات افشا و انتشار اطلاعات مذکور بدون شک دادرسی عادلانه و عدالت قضایی را از مسیر اصلی خود منحرف خواهد کرد. از جمله نمونه های بزه دیدگی بزهکار در مرحله رسیدگی، که ممکن است متأثر از این موضوع باشد، سرزنش کردن متهم بواسطه اتهام توسط قاضی و نحوه رفتار او با متهم است که از ملاک های عدالت تقابلی در تعیین ایجاد بزه دیدگی در فرآیند دادرسی است. نتیجه این معیار نشان می دهد که چنانچه قضات در رفتار خود نوعی پیش داوری را اعمال کنند باعث نوعی بزه دیدگی بر متهمان خواهد شد. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

۴-۵- معطل کردن اقدامات قضایی و اختلال در اجرای احکام

اهمیت آثار و ادوات برجای مانده در صحنه جرم و نقش حفظ صحنه و بررسی دقیق و فنی آن در کشف جرم و شناسایی جرم همواره مورد تأکید قانونگذار، قضات، پزشکان قانونی و مأمورین کشف جرایم بوده است. بر اساس نظریه مبادله یا انتقال که توسط «ادموند لوکارد» رئیس موسسه جرم‌شناسی دانشگاه لیون فرانسه ارائه شده «شخصی که مرتکب جنایت می‌شوند تقریباً و بطور قهری آثاری از خود در صحنه جنایت یا نزد مجنلی علیه یا هردو به جای می‌گذارند و بطور متقابل آثاری از صحنه جنایت یا مجنلی علیه یا هردو نزد آنها به جای می‌ماند». (نجابتی، ۱۳۸۶: ۸۱۱) یکی از نتایج حاصله از این نظریه آن است که «چنانچه در بررسی صحنه جرمی دلیل و مدرکی به دست نیامد یا امکان ربط دادن جرمی به متهم مورد نظر مقدور نبود، قبل از اینکه این امر به حساب فقدان دلیل گذاشته شود باید آن را به حساب نقص آموزش یا کمبود امکانات فنی کشف جرایم یا کم تجربگی گذاشت». به همان اندازه که حفظ صحنه و وجود آثار و علایم و آلات و ادوات جرم در کشف جرم نقش آفرین است، بر هم زدن صحنه و از بین بردن آثار و مدارک جرم در ایجاد وقفه در کشف جرم و عدم شناسایی مرتکب موثر می‌باشد. به همین مناسبت قانونگذار امارات هرگونه اقدام در جهت تغییر صحنه جرم، از بین بردن یا اخفای ادله جرم را به عنوان جرم علیه عدالت قضایی مستوجب کیفر دانسته است. مطابق ماده

۶۶۲ قانون مجازات امارات، هر کس به قصد گمراه کردن امر قضا، وضعیت اشخاص یا اماکن یا اشیاء را تغییر داده یا دلایل جرم را مخفی نموده یا در ارتباط با جرم اطلاعات دروغ که به نادرستی آنها آگاه است، ارائه نماید به کیفر حبس مجازات می‌شود.

در رابطه با ماده مذکور اشاره به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- اگرچه میزان مجازات حبس در این ماده مشخص نگردیده لکن همانگونه که در مقدمه تحقیق توضیح داده شد مدت حبس در این مورد یک ماه تا سه سال است.
- عنصر معنوی جرم شامل سوء نیت عام و خاص است. «سوء نیت عام» یعنی مرتکب با علم به اینکه صحنه یا اشیاء یا دلایل مربوط به جرم است عمدا نسبت به انجام تغییرات در صحنه یا اخفاء دلایل و نیز ارائه اطلاعات غلط اقدام می‌نماید. «سوء نیت خاص» یعنی قصد وی از انجام چنین اعمالی منحرف کردن امر قضاوت و دور کردن دستگاه قضایی از کشف حقیقت و اجرای عدالت است.

مطابق ماده ۲۶۷ قانون مجازات امارات، تا یک سال حبس یا تا پنج هزار در هم جزای نقدی، مجازاتی است که برای افراد ذیل در نظر گرفته شده است: «کسانی که نوشته یا سند یا چیز دیگر ارائه شده به یکی از مقامات تحقیق، یا در دعوی مطرح شده در یکی از مراجع قضایی، مخفی یا تلف نموده یا بر آن دست یابند.» ترک فعلی که در ماده ۲۶۸ قانون مجازات امارات به آن پرداخته شده عبارتست از خودداری از ارائه اسناد، نوشته‌جات و دیگر مدارک مؤثر در کشف واقعیت. از دیدگاه قانونگذار امارات، ایجاد اختلال در جریان اجرای حکم قضایی نیز جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود. به موجب ۲۶۹ قانون مجازات امارات هر کس با سوء نیت، مرتکب عملی شود که عملیات اجرایی نسبت به مالی که بر اساس حکم قضایی توقیف شده را با مشکل مواجه نماید، خواه این عمل با جابجایی یا مخفی نمودن یا تصرف در آن مال صورت گیرد یا با تلف کردن یا تغییر نشانه آن انجام شود، به حبس تا دو سال و جزای نقدی تا ده هزار در هم یا به یکی از این دو مجازات، محکوم می‌شود. این مجازات در موردی نیز که عمل توسط مالک یا نگهبان مال صورت گرفته باشد، اعمال می‌گردد. مشابه حکم این ماده را می‌توان در ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی ایران نیز ملاحظه نمود. در ماده مذکور مقرر شده «هرکس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه، دخالت یا تصرفی نماید که منافعی یا توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف، مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مطابق ماده ۲۷۰ قانون مجازات امارات، مجازات مذکور در ماده ۲۶۹ در مورد هر مأمور عمومی یا مکلف به خدمت عمومی که عمداً و به ناحق از اجرای حکم یا دستور حکم شده توسط یکی از دادگاهها پس از گذشت هشت روز از اخطار رسمی به او جهت اجرا امتناع ورزد، در حالی که اجرای حکم یا دستور جزء وظایف خاص وی می‌باشد، اعمال می‌گردد. سوء استفاده از مقام، جهت جلوگیری از اجرای اوامر مقامات قضایی موضوعی است که مورد عنایت قانونگذار ایران نیز قرار گرفته است. بر اساس ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی ایران «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». در بررسی چگونگی بزه دیده واقع شدن بزهکار در صورت بروز رفتارهای مذکور در بحث معطل کردن اقدامات قضایی و اختلال در اجرای احکام، هر چند شاید در بادی امر این موضوع به ذهن متبادر گردد که در این شرایط معمولاً شاکی یا بزه دیده از این رهگذر بیشتر متضرر می‌گردد؛ اما باید توجه

داشت که وقوع جرایم پیش گفته قطعاً می‌تواند بر علیه متهم نیز صورت پذیرفته و موجب بزه دیدگی بزه‌کار گردد. چرا که در بسیاری از موارد ممکن است شاکی و یا اطرافیان وی با انجام اقداماتی موجب معطلی و اخلاف در فرایند رسیدگی و اجرای احکام شده و عدالت قضایی را با مشکل مواجه کرده و به نوعی بزه دیدگی بزه‌کار را فراهم آورند. (اشنایدر، ۱۳۷۱: ۱۱)

۴-۶- امتناع از اعلام جرم

گزارش مأمورین دولت و همچنین اعلام جرم توسط سایر اشخاص، از مهمترین طرق اطلاع پلیس و دستگاه قضایی از وقوع جرایم و شروع به تحقیقات و رسیدگی است. قانونگذار امارات با رویکردی مشارکتی به سیاست جنایی و با قرار دادن امتناع از وقوع جرایم در زمره جرایم علیه عدالت قضایی، سعی در رفع یکی دیگر از موانع موجود در مسیر احقاق حق و اجرای عدالت نموده است. مطابق ماده ۲۷۲ قانون مجازات امارات: «هرمأمور عمومی که مکلف به تحقیق در مورد جرم یا گزارش آن است چنانچه در گزارش نمودن جرمی که به آگاهی او رسیده اهمال یا تأخیر کنند به حبس یا جزای نقدی مجازات می‌شود». قسمت دوم از ماده ۲۷۲ به سایر مأمورین اختصاص یافته و مقرر داشته: «هرمأموری که وظیفه‌ای در امر تحقیق در مورد جرم یا گزارش آن ندارد چنانچه در اعلام جرمی که در جریان یا به سبب انجام وظیفه، از آن مطلع گردیده اهمال یا تأخیر نماید به جزای نقدی مجازات می‌شود». به دلالت ماده مذکور، جرم بودن «امتناع از اعلام جرم» مربوط به جرایمی است که بدون شکایت شاکی خصوصاً قابل تعقیب می‌باشند. لذا عدم اعلام جرایمی که تعقیب آنها منوط به شکایت شاکی خصوصی است، مجازاتی را در پی نخواهد داشت. در مورد سایر مأمورین که در قسمت دوم ماده ۲۷۲ به آنها اشاره شد، به استناد قسمت اخیر این ماده، هرگاه مأمور «همسر مرتکب جرم» یا از «پدران یا مادران یا فرزندان یا برادران یا خواهران او یا از بستگان سببی هم رتبه آنها باشد» اعمال معافیت از مجازات جایز می‌باشد. مرتبطين با مشاغل پزشکی و درمانی نیز در جریان انجام وظیفه ممکن است نسبت به وقوع جرایم علیه اشخاص آگاهی یابند که در این صورت مکلفند مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع دهند. در مقررات جزایی ایران، شهروندان تکلیفی برای اعلام جرایمی که از وقوع آنها مطلع می‌شوند، ندارند لکن برخی از مقامات با توجه به وظیفه و مسئولیتی که بر عهده دارند مکلف به اعلام برخی از جرایم خاص می‌باشند. تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ نیز مسئولین ذیربط اعم از مدیران و بازرسان را که به نحوی از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مجرمانه موضوع این قانون مطلع شوند، مکلف نموده که در زمینه جلوگیری یا آگاه ساختن مقامات ذیصلاح اقدام فوری و مؤثری انجام دهند در غیر این صورت معادن جرم محسوب شده و به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند. از آنجا که هر بزه‌کار در مرحله وقوع جرم ممکن است هم زمان بزه دیده نیز تلقی گردد، وقوع این جرم علیه شخص بزه‌کار نیز متصور است زیرا همانطور که در بند بعد نیز به آن پرداخته خواهد شد. امکان جانبداری و امتناع از اعلام جرمی که در زمان وقوع جرم بر علیه بزه‌کار واقع شده است از سوی اشخاص مسئول و ضابطان وجود دارد. (سیفی قره‌یتاق و اسلامی نیا، ۱۴۰۳: ۱)

۴-۷- گزارش خلاف واقع

گزارش خلاف واقع یا گزارش دروغ، نیز یکی از جرایم علیه عدالت قضایی تلقی می‌شود. همانگونه که عدم اعلام جرم می‌تواند در جریان اجرای عدالت، اخلاف و تأخیر ایجاد نماید، گزارش خلاف واقع مبنی بر وقوع جرم یا پیرامون وقوع جرم، نیز می‌تواند موجب گمراهی دستگاه عدالت و دور نمودن آن از انجام وظیفه واقعی شود. به ویژه اگر در مرحله کشف جرم ضابطین دادگستری بر اثر

عوامل غیر حقوقی، و یا به شکل جانبدارانه ای گزارش ابتدایی جرم را تحریف نموده و به شکلی تنظیم کنند که موجبات تضییع حقوق یکی از اصحاب دعوی را فراهم آورد، بدون شک عدالت قضایی به انحراف خواهد رفت. در بحث حاضر این موضوع اگر به ضرر بزهکار اتفاق بیافتد می تواند موجب تشدید مجازات یا عدم برخورداری از امکان تخفیف یا معافیت از مجازات و یا سایر تضررات حقوقی وی در مسیر دادرسی عادلانه گردد، که در این صورت نتیجه عمل، از مصادیق بزه دیدگی بزهکار خواهد بود. در بررسی تطبیقی این موضوع می بینیم که قانونگذار امارات، گزارش کذب را جرمی علیه عدالت قضایی به شمار آورده و در ماده ۲۷۵ قانون مجازات امارات مقرر داشته: «هرکس در مورد حوادث یا خطرانی که وجود خارجی ندارد یا در مورد جرمی که از عدم وقوع آن مطلع است، به مقامات قضایی یا مراجع اداری گزارش دهد به حد اکثر شش ماه حبس و سه هزار در هم جزای نقدی یا به یکی از این دو کیفر، مجازات می شود». گاه اقدام مرتکب از صرف گزارش کذب فراتر رفته و با فراهم نمودن دلایل خلاف واقع، ارتکاب جرایمی را به اشخاص نسبت می دهد. در این رابطه ماده ۲۷۶ قانون مجازات امارات مقرر می دارد: «هرکس به دروغ و با سوء نیت به مقامات قضایی یا مراجع اداری اعلام کند که شخصی مرتکب امری گردیده که موجب مجازات جنایی یا اداری است، هر چند بر این اعلام، اقامه دعوی جنایی یا تأدیبی مترتب نباشد و همچنین هرکس بر خلاف واقع دلایل مادی بر ارتکاب جرم توسط شخصی، بسازد یا با علم به بیگناهی فردی، سبب اتخاذ اقدامات قانونی علیه او شود به حبس یا جزای نقدی یا یکی از این دو کیفر، مجازات می شود». در انتهای ماده ۲۷۶ اضافه شده که چنانچه نسبت دادن جرم، منجر به صدور کیفر به مجازات جنایی شود، شخص مفتری به همان کیفر مورد حکم مجازات می شود. هماهنگونه که اشاره گردید، اظهارات خلاف واقع آن است که شخص پس از ادای سوگند و التزام به حقیقت گویی، در مرجع قضایی به عمد و نه از روی سهو یا اشتباه، در امر مهمی دروغ بگوید. **(بیگی و موسوی، ۱۴۰۲: ۴۱)** در قانون مجازات اسلامی ایران نیز نسبت دادن اعمال مجرمانه به اشخاص، بر خلاف واقع و نیز صحنه سازی جهت مجرم معرفی کردن دیگران، جرم انگاری شده است. مطابق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد». همچنین در ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده: «هرکس عالماً عمداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۴۷ ضربه شلاق محکوم می شود». **(قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱)**

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

وقوع بزه دیدگی بزهکار در بسیاری از جرایم علیه عدالت قضایی نه تنها قابل وقوع است بلکه وجه بارز برخی از این جرایم، وقوع بزه دیدگی بزهکاران یا متهمان پرونده های مطروحه در دستگاه قضایی می باشد. از دیدگاه تطبیقی وقوع جرایم مذکور در حقوق کیفری امارات متحده عربی نیز پیش بینی شده و این پیش بینی حتی منسجم تر و مشخص تر از رویه قانونگذار ایران است. اهمیت و ضرورت احقاق حق و آرای عدالت ایجاب می کند که جهت رفع موانعی که به اشکال و طرق مختلف، موجبات اختلال و تاخیر در

کشف حقیقت و اجرای عدالت را فراهم می‌آورند، تدابیر لازم اتخاذ گردد. در این رابطه، شناسایی احصاء جرایمی با عنوان «جرایم علیه عدالت قضائی» در کشورهایمانند فرانسه و امارات متحده عربی گامی موثر در جهت نیل به هدف متعالی و مقدس اجرای عدالت، ارزیابی می‌شود. قانونگذار ایران نیز برخی از اقدامات علیه عدالت قضائی را بطور پراکنده، جرم انگاری کرده است. در مقررات جزایی ایران برخی از اعمال محل اجرای عدالت قضایی نیز فاقد ضمانت اجرای کیفری است که برای مثال می‌توان به استتکاف از ادای سوگند یا ادای شهادت اشاره نمود. به هرتقدیر به لحاظ اهمیت ویژه موضوع و لزوم مقابله جدی با هرگونه اختلال در جریان اجرای عدالت شایسته است که قانونگذار ایران نیز با جرم‌انگاری دقیق‌تر و تفکیک اقدامات علیه عدالت قضائی، بر ضرورت رفع موانع اجرای عدالت، بیش از پیش تاکید نماید. در این راستا لازم است تا ضمن اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات جزایی که شرح آن بیان شد، به موضوع آموزش ضابطان و مقامات قضایی از منظر لزوم رعایت حقوق متهمین در فرآیند دادرسی کیفری نیز پردازیم. پیشنهاد دیگر استفاده از فن آوری های نوین و به روز در فرایند دادرسی کیفری به منظور کاهش اصطکاک مقامات دخیل در عدالت قضایی، با متهمین، نظیر بهره گیری از روش های نوین و علمی در جرم یابی، حفظ صحنه جرم و دادرسی الکترونیکی می باشد.

منابع

- ۱) ابادری فومشی، منصور (۱۳۸۷)، *مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری*، تهران: انتشارات اندیشه عصر
- ۲) اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان
- ۳) اسدزاده، سعید؛ احدیف فاطمه؛ کنجوری، مجتبی (۱۴۰۱)، *جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران*، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۲
- ۴) آشوری، محمد (۱۳۸۸)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت
- ۵) آقایی، قاسم (۱۳۹۰)، *جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه.
- ۶) آماده، غلامحسین (۱۳۸۶)، *جرایم علیه عدالت قضائی در قانون مجازات امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران*، عدالت آرا، شماره ۸
- ۷) بولک، برنار (۱۳۷۵)، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ایرند آبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد
- ۸) بیگدلی، محمود؛ اسدی کوه آباد، هرمز (۱۴۰۳)، *شهادت کذب و قسم دروغ در فقه و حقوق ایران*، چهاردهمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی: تهران
- ۹) بیگی، جمال (۱۳۹۶)، *جرم انگاری کتمان شهادت و چالش های آن در حقوق ایران*، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۴
- ۱۰) بیگی، جمال؛ آبروش، هیرو (۱۳۹۶)، *رویکرد سیاست جنایی ایران به جرایم علیه عدالت قضایی*، فصلنامه حقوق ملل، دوره ۷، شماره ۲۶
- ۱۱) بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۴۰۱)، *آسیب شناسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرایم بر ضد عدالت قضایی*، دوره ۳، شماره ۴

- ۱۲) بیگم، جمال؛ موسوی، سید رضا (۱۴۰۲)، جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۱
- ۱۳) توچگی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۴) جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش
- ۱۵) جعفری، محمد تقی (۱۳۸۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات حیدری
- ۱۶) خادیمان، محمد مهدی (۱۳۹۵)، بزه دیدگی دومین در مرحله تحقیقات پلیسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۷) خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم
- ۱۸) خانبان مهر آبادی، مهدیه (۱۳۹۱)، نقش بزه دیده در اصلاح و درمان مجرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
- ۱۹) دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰) راجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۶۲، شماره ۵۹
- ۲۱) راسل، برتراند (۱۳۶۴)، اخلاق و سیاست در جامعه، ترجمه محمود حیدریان، چاپ اول، تهران: نشر وحید
- ۲۲) رایجیان اصلی مهرداد، (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی (تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی)، جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- ۲۳) رایجیان اصلی مهرداد (۱۳۸۱)، بزه دیده در فرآیند کیفری، تهران: انتشارات خط سوم
- ۲۴) ژینا ولیز، ژوار (۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، تهران: انتشارات مجد
- ۲۵) سیفی قره‌یتاق، داود؛ اسلامی نیا، قاسم (۱۴۰۳)، مطالعه تطبیقی عناصر جرم خودداری از اعلام جرایم و کیفر آن در حقوق ایران و آمریکا، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۱، شماره ۳
- ۲۶) شنایدر، لی موین (۱۳۷۱)، پی‌جویی قتل، ترجمه یحیی افتخارزاده، تهران: انتشارات زوار
- ۲۷) طارمی، محمد حسین (۱۳۹۰)، عدالت قضایی و جرایم بیرامونی آن، پایگاه اینترنتی راسخون
- ۲۸) طباطبایی محمد حسین (۱۳۸۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد اول، چاپ بیست و دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۹) عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ عمید، چاپ بیست و هشتم، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۳۰) قربان نیا، ناصر (۱۳۸۱)، عدالت حقوقی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۱) قربانی، ابراهیم؛ بیگم، جمال؛ رسولی، ولی (۱۳۹۲)، جرایم علیه عدالت قضایی در پرتو اسناد بین‌المللی، کنفرانس بین‌المللی و مطالعات رفتاری: تهران
- ۳۲) کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران: نشر میزان
- ۳۳) گودرزی، فرامرز (۱۳۹۰)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات پلیس قضایی
- ۳۴) محمدی، پژمان (۱۳۸۹)، محدودیت‌های موضوعی سوگند در دعاوی مدنی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۲، شماره ۲۹

- ۳۵) مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، اسلام و مقتضیات زمان، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا
- ۳۶) نجابتی، مهدی (۱۳۸۶)، پلیس علمی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت
- ۳۷) نجار زادگان، فتح الله؛ موسویان، مصطفی (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری، پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۳

